



دیدار رسمی سردار محمد داؤد صدراعظم افغانستان

از دولت پادشاهی انگلستان

یادداشت: این گزارش قبلاً به تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۳م برای بار دوم نشر شده است. از آنجائی که از جانب بعضی حلقات بار دیگر معلومات ناقص و تکراری در رابطه با «خط دیورند» در صفحات مجازی دیده می شود، بناءً پیشنهاد می گردد، تا بار دیگر، بدون هیچ نوع تغییر منتشر گردد. درین گزارش که از مجله منتشر شده رسمی رژیم سلطنتی افغانستان، ۶۳ سال قبل تهیه شده است، موضعگیری رسمی دولت پادشاهی را در رابطه با «خط دیورند» و سرنوشت مردمان آنطرف این «خط» که توسط «استعمار برتانوی»، از قلمرو افغانستان در زمانه های مختلف جدا و در تحت اداره غارتگران انگلیسی درآورده شده بود، نشان می دهد. در اظهارات مقامات عالی رهبری آنوقت دولت پس از جنگ دوم جهانی که همزمان با تقسیم «نیم قاره هند» و تشکیل دو «دولت» در تحت نام «دین»، با نامهای «... هند» و «... پاکستان» تشکیل می گردد و همزمان با خروج «قوای نظامی انگلیسی» در سطح بین المللی وضعیت کاملاً جدیدی در «توازن قوای بین المللی» نیز حکمفرما می شود، و همزمان فضای «جنگ سرد» در «جهان دو قطبی» بین دو قدرت، «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» و «ایالات متحده امریکا»، سرنوشت تمام کشور های کوچک جهان، بشمول کشورهای «تازه رها یافته» از قید «استعمار کهنه»، در تحت کنترل و نفوذ آن دو قدرت قرار می گیرد. در ذیل متن گزارش سفر «صدراعظم» رژیم سلطنتی، بار دیگر تقدیم می گردد.

آغاز گزارش:

«سردار محمد داؤد خان، در دوران سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، چه در زمان مقام ایشان بحیث وزیر دفاع ملی و چه بحیث صدراعظم (۱۹۵۳م - ۱۹۶۳م) از نام و نفوذ خاصی برخوردار بوده اند. مطبوعات و افکار عامه، ایشان را در نظام سلطنتی افغانستان چهره «ملی گرا» میدانسته اند، که در مسئله «پشتونستان»، بیشتر از هرکس دیگر، بعد از مقام سلطنت، محبوبیت و شهرت داشته اند. در اخیر سال ۱۹۶۰م یکی از «مؤرخین»، انگلیسی از افغانستان و پاکستان، دیدار داشته، نوشته ای را تحت عنوان «تجربه پاکستان» در روزنامه «اوبزرور» به نشر می سپارد، که باعث اعتراض روزنامه «انیس» می گردد. در وقت مساعد، در مورد معلومات تهیه خواهد شد. لیکن از محتوای جواب روزنامه انیس چنین استنتاج شده می تواند، که نزد افغانها و رهبران وقت کشور آنها، حقایق تاریخی دیگری مورد توجه بوده است، که درینجا، بدون تفصیل یک اصل را از مقاله نشر شده در روزنامه «انیس» نقل می نمایم: «... افغانستان از حق تعیین سرنوشت برای پشتونستان حمایت می نماید، هیچگاه، ادعای الحاق سرزمین را نداشته است...» (بولتن «افغانستان نیوز»، دسمبر ۱۹۶۰م، شماره ۱۲ ص ۱۹) در سال ۱۹۶۰م «خان عبدالغفار خان»، به کابل سفر می کند. ترجمه سطر پائین تصویر: « اعلیحضرت پادشاه افغانستان، به خان عبدالغفار خان، رهبر بزرگ پشتون، حین دیدار از کابل خوش آمدید، می گویند» (وقایع خیلی وخیم در مناطق پشتون نشین و در مجموع علیه آزادی خواهان پشتون در تحت حاکمیت پاکستان نو تأسیس بوقوع پیوسته بود. خیلی محتمل است، که در اهداف سفر صدراعظم افغانستان به انگلستان، قسمت مهم، همین موضوع سرنوشت پشتون ها، شامل بوده باشد، که باید از نزدیک با رهبران آنکشور و جهانیان در میان گذاشته می شد. طوری که می دانیم، در آغاز دوره کار سردار محمد داؤد خان بحیث صدراعظم،

قریب هشت سال پس از ختم جنگ دوم جهانی و نزدیک به شش سال پس از ایجاد دولت پاکستان، به نسبت معضلات نا حل شده، میراث استعمار و ایجاد فضای کاملاً بغرنج در عرصه بین المللی، در برابر زمامداران این کشور محاط به خشکه، قرار داشته است. مسائل نهایت پیچیده، در راه انکشاف اقتصادی و اجتماعی، صنعتی شدن جامعه، بهبود



Zu Beginn seines offiziellen Besuchs in Großbritannien wurde der afghanische Ministerpräsident, Saifur Mohammed Daud, am 26 Juni 1961 von Lord Londonderry, dem Parlamentarischen Staatssekretär für Außenpolitische Belange, willkommen geheißen.



Seine Majestät der König begrüßt Khan Abdul Ghaffar Khan, den grossen Pakhtunischen Führer, während dessen Besuch in Kabul

سیستم زراعتی و غیره، خاصاً در راه تعمیق و توسعه مناسبات با غرب، بخصوص با اضلاع متحده قرار داشته است. زیرا اضلاع متحده، بحیث قوت جدید پیروز در جنگ دوم جهانی، در رأس اتحادیه غربی کشورهای سرماییداری قرار گرفت، شرط «تجهیز اردوی افغانستان» را با سلاح های غربی، عمدتاً امریکائی، با سائر همکاری های تعلیم و آموزش نظامی، که در پروگرام دولت قرار داشت، امریکائی ها آنرا تابع شرط عضویت افغانستان در پیمان و یا پیمانهای نظامی منطقوی ساخته بودند، که در عین زمان، پاکستان هم در آن عضویت داشته است. ولی برای افغانستان، بدون حل مسئله تعیین سرنوشت پشتون ها، این پیشنهاد قابل قبول نبوده است، تا اینکه، سردار محمد داؤد خان، مجبور می گردد، تا پس از مشوره و دریافت موافقت پادشاه، این نیازمندی را با عقد قرارداد، مشابه، بدون قید و شرط، با «اتحاد شوروی»، مرفوع سازد. ممکن به همین علت بوده باشد، که ازین تاریخ بعد در تحت شرایط آنوقت «مهر» طرفدار شوروی را بر سینه سردار می کوبیدند، که در فضای جنگ سرد هم، فارغ از تبلیغات افراد در رسانه های

گروهی نیز، نبوده است. طی سالهای اول بعد از تأسیس پاکستان وضعیت پشتون ها، در ساحه تحت حاکمیت پاکستان، طوری که قبلاً نیز تذکار یافت، به حالت دشواری قرار می گیرد. وقتی بخواهیم امروز، جملات و مفاهیم سیاسی آنزمان را بهتر درک نمائیم و همچنان در مورد نقش هر شخصیت مبتنی بر شرایط زمان و مکان، باتمام عوامل مؤثر احتمالی، آگاهی بهتر حاصل نموده بتوانیم، بی ربط نخواهد بود، اگر مطالبی را که بعضی افراد، حتی افراد مشکوک الهویه و کسانی که چندین دهه از سایه سلطنت و از سایه همین صدراعظم، که در سال ۱۹۶۱م برای جلب حمایت بین المللی، از حقوق پشتون های تحت حاکمیت پاکستان، عازم لندن بوده است، استفاده های احتمالی شخصی نیز نموده اند، بازهم در یک فرصت دیگر به «چرندیات» در باره تاریخ وطن ما پرداخته اند. در باره سرنوشت پشتون های آنطرف «خط تحمیلی دیورند»، چنان مطالب و افسانه هائی را هم مدعی می شوند، که اصلاً با حقیقت هیچنوع پیوند نشان داده نمی تواند، وقتی بدون ذکر منابع معتبر و یا از «اسناد سری دزدی» شده نام می برند، باید حین مطالعه چنین مطالب هوشیار بود. در جوامع دارای سیستم های پیشرفته حقوقی، حتی خرید «جنس دزدی»، را ولو هر قدر ارزان هم باشد، مصلحت نمی دهند، زیرا خطر از دست دادن کامل آن، متصور است. حال اینک با دریافت منبع محدود، در مهاجرت، ۵۱ سال بعد می بینیم، که صدر اعظم رژیم سلطنتی افغانستان، بعد از قریب یک و نیم دهه، یعنی پس از ایجاد دولت پاکستان، در نتیجه تقسیم مستعمره وقت برتانیه، یا «نیم قاره هند» و برگشت قوای استعماری به کشور برتانیه، که در مورد «میراث» آن، «بر ابله های» نا حل شده را از خود بجا گذاشت، دیده شود که درین سفر، چه موضعگیری در برابر مسائل مبرم مورد علاقه خواهند داشت و خطوط کلی مناسبات، مختصراً چگونه ارزیابی و احساس شده می تواند. صدر اعظم رژیم سلطنتی افغانستان، سردار محمد داؤد خان، درست بتاریخ ۲۶ ماه جون ۱۹۶۱م، دقیق ۱۸ روز پس از افتتاح یازدهمین دور جلسات «شورای ملی» که توسط اعلیحضرت پادشاه افغانستان افتتاح و صدر اعظم هم، خود نیز شخصاً حضور داشته اند، با هیئت معیتی ایشان وارد لندن می گردند. اهمیت این سفر را که در حقیقت به دو کشور اروپائی، چون برتانیه و جمهوری اتحادی آلمان، انجام یافته است، می توان احساس کرد، که از بیانات تازه در «شورای ملی افغانستان»، کدام مواضع را با این کشور ها، باید در میان می گذاشت. حال اگر، به گذشته مناسبات، دو جانبه بین افغانستان و این دو کشور بخصوص توجه شود،

هریک دارای مناسبات و سابقه متفاوت می باشد. لیکن واضحاً باید در نظر داشت، که در شرایط بعد از جنگ دوم جهانی، فضا و مناسبات جدید، بین کشورهای «اروپای غربی» مسلط بوده است، که درین مورد هم از تفصیل صرف نظر می نمایم. اما بیهوده نخواهد بود، هرگاه از بعضی نقاط مهم بیانیه اخیر پادشاه افغانستان در «شورای ملی»، یاد آوری بعمل آید، که بر ضرورت این سفر، وزنه بیشتر خواهد انداخت. در شرایطی که در جهان، تعداد کثیری از پایگاه های نظامی وجود داشته است در بیانیه مقام اول کشور، بر «سیاست عدم انسلاک به بلاک های قدرت» تماس گرفته شده، اظهار می دارند: «تلاشهای افغانستان بخاطر ایجاد مناسبات نزدیکتر دوستی با تمام مردمان و ملل جهان ادامه می یابد. همکاری با ملل دوست، در امر حل مسایل بین المللی همواره رو به افزایش است.» در این بیانیه همچنان می خوانیم: «در رابطه با حوادث اخیر پاکستان، اعلیحضرت با اظهار تأسف تذکر می دهند، که «تمام تلاشهای مردم پشتون، بخاطر دستیابی به حقوق حقه آنها از جانب حکومت پاکستان پایمال گردیده است... توضیح داده می گویند: «زندانی ساختن روشنفکران پشتون، فقط مانع دیگری است، که حکومت پاکستان در برابر راه حل صلح آمیز مسئله ایجاد نموده است. این طرز العمل بر ضد حقوق اساسی انسانیت و بر ضد حق انکار ناپذیر پشتون ها، در رابطه با خواست آزادی آنها شمرده می شود.» به ادامه در بیانیه، پادشاه افغانستان، اظهار امیدواری نموده



Der afghanische Ministerpräsident schreitet die Front der Ehrenkompanie auf dem Londoner Flughafen ab.



Der afghanische Ministerpräsident wird im Admiralty House vom britischen Ministerpräsidenten Macmillan begrüßt.

چنین بیان می دارند: «ما آرزومندیم تا خواسته های مردم پشتون از طریق صلح آمیز و بر مبنای روح عدالت تحقق یابد. حل این مسئله مهم، نه تنها درین ساحه، بلکه برای جهان سودمند، تمام خواهد شد.» رئیس شورای ملی، داکتر عبدالظاهر ضمن آنکه در رابطه با «تاریخ شورای ملی» تذکر داده میگوید: «تمام ملت مدیون پادشاه متوفی، محمد نادر شاه، پدر اعلیحضرت می باشند، که شورای ملی را ۳۰ سال قبل در کشور ما تأسیس نمودند، تشکر.» رئیس شورا همچنان از سیاست «بی طرفی» کشور و هم از رشد مناسبات همکاری و دوستی افغانستان با کشور های دیگر و نقش روز افزون و حمایت بین المللی آن، یاد آور گردیده، پشتیبانی دولت افغانستان را از منشور سازمان ملل متحد، نیز بزبان آورده، تقدیر نموده است. رئیس شورای ملی، همچنان از «بازداشت ملت گریان پشتون و استفاده از قوت اسلحه درین ساحه از جانب حکومت پاکستان را، بمنابۀ نگرانی بزرگ افاده نموده، گفته است که این حوادث، باعث تأثر برادران افغان آنها گردیده است.» او همچنان تذکر داده است که امیدوار است، تا «حکومت پاکستان جدی بودن وضع را درک نموده، حل صلح آمیز را در پیش گیرد، موقف فعلی آن عواقب جدی را برای تمام ساحه خواهد

داشت.» حین مواصالت صدراعظم و هیئت معیتی ایشان، در میدان هوایی طوریکه در عکس مشاهده شده میتوانید، صدراعظم دولت شاهی افغانستان از جانب «لارڈ لندنزاون» (Lord Landsowne)، مسئول بخش سیاست خارجی سکرتریت پارلمانی، پذیرائی گردیده است. در عقب صدراعظم، داکتر محمد یوسف خان دیده می شود، که بعداً، بجای صدراعظم، وقتی موضوع طرح قانون اساسی و انتخابات به میان می آید، بمقام صدارت انتخاب گردیده است. درین سفر پنج روزه، از صدراعظم در میدان هوایی علاوه بر شخصیت های عالی رتبه، سفرای هردو کشور، «جلالتمآب جیلیت» (Exzellenz Gillete) سفیر برتانیه در کابل و «جلالتمآب محمد کبیر لودین» سفیر پادشاهی افغانستان در لندن نیز، استقبال نموده اند. از مهمان با مراسم خاص نظامی، خیر مقدم صورت گرفته است. در این «پروگرام»، منظور از دیدار رسمی با ملکه «ایلیزابت دوم» (Elizabeth II.) انگلستان و مذاکرات با «مک میلان» (Macmillan) صدراعظم انگلستان بوده است. موقع ورود به قصر «ادمیرالٹی» سردار محمد داؤد صدراعظم افغانستان از طرف «مک میلان» و «لارڈ هوم» (Lord Home) پذیرایی گردیده اند. بتاريخ ۲۸ جون ۱۹۶۱م، صدراعظم افغانستان، با «سر برنارد والی-کوهن» (Sir Bernard Waley-Cohen) «بناروال» لندن و همچنان با مقام اداری، «کریست چرچ کالج» (Christ Church College) در «اکسفورد» (Oxford) ملاقات داشته و در همان روز علاوه، از شهر

جدید «هرلو» (Harlow)، مرکز تحقیقات زراعتی، و جنگلات و همچنان از مزرع دهقانی «اینسفورد» (Eynsford) نیز دیدن نموده اند. در هیئت همراهان صدراعظم افغانستان درین سفر رسمی، اعضای ذیل شامل بوده اند:

«داکتر محمد یوسف، وزیر معادن و صنایع، معین وزارت پلان، عبدالحی عزیز و همچنان نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل متحد، عبدالرحمن پژواک.» در تصویر بعدی سردار محمد داؤد، صدراعظم افغانستان با «بناروال» لندن در عمارت «منیسون» دیده می شوند. بتاريخ ۲۹ جون ۱۹۶۱م، صدراعظم افغانستان نمایندگان اخبار و مطبوعات را پذیرفته است. بطور خلص بعضی از سوالات و جوابات را از نظر می گذرانیم: در جواب به سؤال اول، «اتحادیه مطبوعات» (Press Association, PA)، که آیا ازین دیدار برتانیه «راضی» بوده است، یا نه، به جواب می گوید: «بلی، من انتباه خوبی ازین دیدار حاصل نموده ام، از مهمان نوازی حکومت برتانیه متشکرم.» در جواب سؤال دیگر که از جانب «مطبوعات متحد بین المللی» (UPI, United Press International) مطرح شده است که آیا ممکن است، در رابطه با صحبت های خویش با صدراعظم برتانیه و وزیر خارجه آنکشور، چیزی بگویند، صدر اعظم افغانستان چنین اظهار می دارد: «موضوع عمده صحبت های ما را مسائل بین المللی، مسائل مورد علاقه هر دو جانب و هم چنان مسئله پشتونی تشکیل می داده است.» به ادامه، بار دیگر خبر نگار تقاضای تفسیر معلومات بیشتر در باره مسئله پشتونستان بزبان می آورد، که صدر اعظم افغانستان بجواب جنین اظهار می دارند: «پشتونستان یک مسئله حیاتی و مهم در علاقمندی های افغانستان بوده، موضعگیری ایکه درین رابطه از جانب ما، نمایندگی می



Ministerpräsident Sardar Mohammed Daud im Gespräch mit dem Lord Bürgermeister von London, Sir Bernard Waley-Cohen, im Mansion House.

«صدر اعظم محمد داؤد در صحبت با "لارڈ" شاروال لندن، "سر برنارد ولی-کوهن، در "منسیون هاوس"»

نماید، بر واقعیت های تاریخی استوار می باشد. بین من و اعضای حکومت برتانیه یک تبادل نظر صورت گرفت.

حل این معضله بعقیده ما ممکن بوده می تواند و آرزوی ما نیز است، که مردم پشتونستان دقیقاً مانند تمام مردمان دیگر دنیا، بر طبق منشور سازمان ملل متحد، از برسمیت شناختن حق خود ارادیت برخوردار گردند.» («بولتن» «افغان

نیوز» بزبان آلمانی، شماره ۴۸، سال چهارم، اگست ۱۹۶۱م، صفحه ۵) در جواب به سؤال ژورنالیست دیگر از «مطبوعات متحد بین المللی»، در مورد اینکه آیا حکومت برتانیه درین رابطه کدام پیشنهادی پیشکش نموده و یا کدام وساطتی را برای حل این مسئله، مطرح داشته است؟ صدراعظم دولت شاهی افغانستان، سردار محمد داؤد به جواب گفته است: «رفتار و برخورد دوستان برتانوی ما تغییر ننموده است. ایشان از موقفی نمایندگی می کنند، که لازم است، افغانستان و

پاکستان این مسئله را بحیث دو کشور دارای حاکمیت، حل نمایند» بجواب سؤال خبر نگار «بی. بی. سی.»، که پرسیده است، آیا امکانی وجود دارد که افغانستان و پاکستان، به یک تفاهم در مورد این مسئله برسند. صدراعظم

افغانستان بجواب چنین میپردازد: «افغانستان به مذاکرات مبتنی بر نیت نیک معتقد است. برین دلیل استوار است که همواره راه مذاکرات صلح آمیز را با پاکستان درین مسئله جست و جو نموده است. لیکن با تأسف تلاش های ما بی نتیجه مانده است، تا زمانی که پاکستان امتناع از آن ورزد، که واقعیت های تاریخی را برسمیت بشناسد، هیچگونه امید رسیدن به تفاهم، متصور نمی باشد. در تحت شرایط موجود کنونی، حکومت پاکستان تکلیف را بخود روا نمی دارد، که به اصل ماهیت مسئله پشتونستان پی ببرد. من می خواهم موقف ما را روشن سازم، به نسبت اینکه در مورد، به طرف مقابل، بطور مبالغه آمیز، توجه مطبوعات جلب گردیده است. از دید تاریخی، پاکستان یک ساحه خاکی است که از افغانستان در دوران تسلط استعمار برتانوی جدا ساخته شده است. حکومت پاکستان مدعی است، که پشتون ها با حاکمیت آنها راضی هستند. در صورتی که این امر درست باشد، پس باید به مردم پشتون امکان داده شود، تا خواسته های خود را آزادانه به زبان آورند. این نه باعدالت و نه هم با تعاملات بین المللی مغایر بوده می تواند.» (همانجا)

«مطبوعات متحد بین المللی» (UPI) بار دیگر می پرسد: آیا مقام عالی شما، در فکر یک ریفریندوم درین هدف میباشند؟ صدراعظم دولت شاهی افغانستان، بجواب پرداخته اظهار می نماید: « برای افغانستان این موضوع مهم نیست، که چه شکل اظهار نظر آزاد انتخاب می گردد. برای ما هر نوعی که برای مردم پشتون اجازه داده شود، که آزاد بیان نمایند، بشمول ریفریندوم، قابل قبول می باشد.» به تعقیب آن، بار دیگر خبر نگار «بی. بی. سی.» می پرسد که آیا دیدار عالی جناب شاهانه شما از «برتانیه کبیر» به صعود تجارت بین دو کشور انجامیده است و یا به تبادلۀ محصلان هم منجر گردیده است؟ آیا افغانستان در پلان کولمبو شامل خواهد شد؟ صدراعظم افغانستان: « یک تجارت محدود بین افغانستان و برتانیه کبیر وجود دارد و تعداد محصلانی هم اینجا داریم که به مصرف حکومت افغانستان مشغول تحصیل اند. آنچه به عضویت ما در پلان کولمبو ارتباط دارد، ما تا الحال تصمیم نگرفته ایم.» (بولتن «افغان نیوز» بزبان آلمانی، شماره ۴۸، سال چهارم، اگست ۱۹۶۱م، صفحه ۵) نماینده «مطبوعات متحد بین المللی» (UPI)، بار دیگر سؤالی را بدین متن مطرح می نماید: « طوری که از کراچی شنیده شده است، بعد از دیدار عالی جناب شاهانه شما، در یک قریه بنام «دنگم» (Dangam) نزدیک سرحد افغانستان، «لشکرهای» افغانی سازمان یافته و احتیاطی ها فراخوانده شده اند. می خواهید درین مورد موضعی داشته باشید؟» صدراعظم افغانستان در پاسخ میگوید: «در قدم اول من از «دنگم» دیدار نداشته ام. دوم اینکه هر کشور مجبور است برای دفاع خود، آمادگی



سردار محمد داؤد با جلالتماب وزیر خارجه برتانیه «لاردهوم»

بگیرد. در صورتیکه چنین آمادگی، از نگاه نظامی معنی تمرکز داشته باشد، پس پاکستان تنها در « ملاکند» یا « ملاقند» (Malakand) و «دره گی» (Daragaye)، اضافه از شش « دیوژن » (Divisionen)، یا فرقه خوب مجهز در اختیار دارد. حال خیلی غافلگیرانه است، زکه به یک دیدار اختراعی صدراعظم افغانستان، در یک محل داخل کشور خودش، آنقدر توجه ضرر آور در مطبوعات به خرچ داده می شود، در حالی که بمباران باشندگان بی پناه دهات، خونریزی صدها باشندۀ صلح آمیز و بازداشت هزاران مبارز آزادی در پاکستان بدون توجه می ماند. قبل از حرکت من بسوی برتانیای کبیر، تنها در پشاور ۴۵۰۰ انسان، به فرمان حکومت پاکستان زندانی شده اند. طبیعی است، که این امر یک علامت خوب برای رضایت پشتون ها در حاکمیت پاکستان تلقی می شود...» (همانجا)

«اجنسی فرانسپرس» (AFP, Agence France Press) بالنوبه می پرسد: «عکس العمل صدراعظم برتانیه در رابطه این حادثه قناعت بخش بوده است؟» صدراعظم میگوید: « موضعگیری دوستان برتانیای ما تغییر نموده است» باز «اجنسی فرانسپرس» می پرسد: «از نظر عالی جناب شاهانه شما، کمکی که از جانب شوروی صورت می گیرد، بر دیگر کشورها چه اثری از خود نشان می دهد؟» صدراعظم افغانستان: « مناسبات ما با اتحاد شوروی خیلی قلبی است. اتحاد شوروی به افغانستان در پلان پنجساله آن کمک قابل ملاحظه نموده است، امیدواریم، که به این حمایت خود در پلان پنجساله دوم هم ادامه خواهد داد. ما علاوه در برابر اضلاع متحدۀ امریکا، جمهوری اتحادی آلمان، چکوسلواکیا و پولند، به ارتباط کمک های انجام یافته آنها، در امر تطبیق پلان پنجساله اول، مقروض ابراز سپاس هستیم.» (همانجا) متعاقباً خبر نگار «بی بی سی.» سؤال خود را بدین متن مطرح داشته است: « ممکن است، عالی جناب شاهانه شما، روابط افغانستان را با همسایگان آن، چون ایران و هندوستان هم توضیح دهند؟» صدراعظم افغانستان: « روابط ما با تمام همسایگان ما، دوستانه است، تنها با پاکستان به نسبت مسئلۀ پشتونستان تا حدی هیجانی و مکرر است، به نسبتی که این مسئله بخش عمده سیاست خارجی ما را تشکیل می دهد.» (همانجا) خبرنگار «بی بی سی.» تکراراً سؤل می کند: « عالی جناب شما، در نظر دارید که در جلسۀ سران دول غیر منسلک یا بی طرف در بلگراد سهم بگیرید؟» سردار محمد داؤد صدراعظم: « افغانستان نماینده خود را به جلسۀ مقدماتی به قاهره فرستاده بود. ما بعداً در بارۀ اشتراک ما، در کنفرانس متذکره، تصمیم خواهیم گرفت.»

نشریه « ارزیابی اقتصادی شرق میانه» (Middle East Economic Digest) – آیا عالی جناب شاهانه شما، با صدر اعظم برتانیه در باره کدام کمک از جانب دولت شاهی برتانیه، صحبت داشته اید؟ صدراعظم دولت شاهی افغانستان بجواب چنین پرداخته اند: «متأسفانه که برتانیه تا امروز به افغانستان هیچ نوع کمک نفرستاده است. ما امیدواریم که در پلان پنج ساله کمک خواهد نمود. به هر صورت برتانیه کبیر آزاد است، که این کار را کند.» نماینده «اتحادیه مطبوعات» (PA)، آیا از کدام نوع سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان، صحبت شده است، آیا عالی جناب شاهانه شما، در «فیدراسیون صنایع برتانوی»، (اتحادیه صنعتی برتانیه) دعوت شده بودند؟ صدراعظم افغانستان: «من فقط آنجا به صرف غذا دعوت شده بودم.» نماینده «فرانس پرس»: می توانید برای ما بگوئید، که چه وقت افغانستان از ناحیه زراعت و صنعت، به خود کفایتی خواهد رسید؟ صدراعظم دولت شاهی افغانستان: «در بخش زراعت احتمالاً بعد از دو یا سه پلان پنج ساله؛ انکشاف صنایع مدت خیلی اضافه تر دوام خواهد نمود. درین باره هیچ کشور بدون همکاری بین المللی نمی تواند انکشاف نماید و کاملاً خود کفایتی هم در عصر و زمان ما هدفمند نمی باشد.»

پایان

....



برای مطالب دیگر دوکتور محمد اکبر یوسفی روی عکس کلیک کنید